

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده*

اعظم راودراد**، هوشنگ نائبی***

چکیده: در این مقاله نقش جنسیت در چگونگی تصور افراد شاغل متأهل، اعم از زن و مرد از وظایف خانوادگی شان، عملکرد آنها در این زمینه و شکاف احتمالی میان نظر و عمل ایشان مورد بررسی قرار گرفته است. هدف توضیح این نکته است که چه تفاوت‌هایی بین نقش‌های خانوادگی زنان و مردان (نقش مورد انتظار) و آنچه عملاً انجام می‌دهند (نقش کار بسته) وجود دارد. تحقیق با روش پیمایشی اجرا شده است. جامعه آماری متشکل از مردان و زنان شاغل، متأهل و تهرانی کارگر و متخصص است. محل تحقیق مراکز دانشگاهی دولتی و مراکز صنعتی شهر تهران است. مهمترین یافته‌های تحقیق عبارتند از: الف- نقش زنان و مردان در مورد کارهای منزل به شیوه‌ای جنسیتی تقسیم شده است. ب- نگرش زنان و مردان در مورد وظایف و نقش‌هایشان در خانواده با یکدیگر متفاوت است. در نتیجه فاصله میان نظر و عمل در زنان بیشتر از همین فاصله در مردان است. ج- مردان بیش از سایر مسئولیت‌های خانوادگی در حوزه تصمیم‌گیری در باب چگونگی هزینه کردن درآمد خانواده به تنهایی فعال هستند. د- اگر چه در مورد فرزندان همواره نقش کار بسته و مورد انتظار زنان مهم‌تر است، اما به طور نسبی می‌توان گفت که هرچه فرزندان بزرگتر می‌شوند نقش مردان در رابطه با آنها بیشتر می‌شود. **واژه‌های کلیدی:** جنسیت، زنان و مردان، نقش، نقش خانوادگی، نقش کار بسته، نقش مورد انتظار، نگرش نسبت به نقش.

* این مقاله مستخرج از طرح «مقایسه نقش محقق و مورد انتظار زنان تهرانی در سال ۱۳۷۸» می‌باشد که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

ravadrad@ut.ac.ir
hnayebi@ut.ac.ir

** دانشجویار گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی- دانشگاه تهران
*** استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی- دانشگاه تهران

مقدمه

در این مقاله نقش جنسیت در چگونگی تصور افراد شاغل متأهل، اعم از زن و مرد از وظایف خانوادگی شان، عملکرد آنها در این زمینه و شکاف احتمالی میان نظر و عمل ایشان مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که رشد اشتغال زنان در چگونگی تقسیم نقش‌های خانوادگی میان زن و مرد تأثیر گذار باشد. از طرف دیگر معلوم نیست که این تأثیر در مورد زنان و مردان به یک اندازه است یا خیر. در مقاله حاضر با مقایسه نگرش‌های زنان و مردان متأهل شاغل نسبت به تقسیم جنسیتی نقش‌های خانگی و نیز چگونگی عملکرد آنها در این زمینه، بدنبال یافتن پاسخ این سؤال هستیم که آیا تغییرات نگرشی و عملی حاصل از افزایش اشتغال زنان، از عامل جنسیت تأثیر می‌پذیرد یا خیر.

هر یک از ما دارای تعدادی پایگاه همزمان هستیم مانند مادر، همسر، دکتر، بیمار یا مسافر. در میان این پایگاه‌ها، پایگاه جنسی و تعیین مذکر یا مؤنث بودن، اصلی‌ترین و مهم‌ترین پایگاه اجتماعی است که زندگی هر فرد را از آغاز تا پایان تحت تأثیر قرار می‌دهد. به رفتار مورد انتظار از هر پایگاه، نقش مورد انتظار می‌گوییم. رفتار فرد در عمل می‌تواند مطابق با نقشی باشد که از وی انتظار می‌رود و ممکن است با آن متفاوت باشد. به هر حال به جنبه عمل شده نقش، نقش کار بسته می‌گوییم. منظور از تحلیل جنسیتی این نقش‌ها این است که نشان دهیم زن یا مرد بودن چه تأثیری در تصورات افراد از نقش‌های خانوادگی خود گذاشته و نیز اینکه این مطلب چگونه باعث شده که کارکرد هر یک از دو جنس در نقش‌های خانوادگی به تناسب تصورات فوق متفاوت باشد.

بنابراین هدف ما در این مقاله توضیح این نکته است که چه تفاوت‌هایی بین نقش‌های خانوادگی زنان و مردان شاغل (نقش مورد انتظار) و آنچه آنها عملاً انجام می‌دهند (نقش کار بسته) وجود دارد. دوم اینکه تفاوت میان نگرش زنان و مردان شاغل در مورد نقش‌های مورد انتظار و کار بسته خانوادگی خودشان و یکدیگر چیست.

اما برای اندازه‌گیری شکاف میان نظر و عمل نمی‌توان به جامعه در کلیت خودش مراجعه نمود، چرا که جامعه متشکل از گروه‌های اجتماعی کوچک و بزرگی است که هر یک به نوبه خود در تحولات آن نقش دارند. به همین دلیل برای اینکه عملاً بتوان این رابطه را بررسی نمود به بررسی دو گروه شغلی بزرگ، یعنی

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۲۹

کارگران و متخصصان^۱ در دو گروه جنسی زن و مرد اکتفا شد. بنابراین نتایج این تحقیق تنها رابطه و شکاف میان نظر و عمل را در این دو گروه اجتماعی می‌سنجد و نتایج آن قابل تعمیم به گروه‌های دیگر نیست. اما می‌توان با انجام تحقیقات دیگر نتایج تحقیق حاضر را تکمیل نمود و قابلیت تعمیم آن را نیز افزایش داد.

اهمیت موضوع

بررسی اطلاعات منتشر شده توسط مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف، روند تحولات میزان فعالیت زنان را نشان می‌دهد. بر اساس این بررسی نرخ فعالیت زنان که در سال ۱۳۶۵، ۸/۲ درصد بوده است در سال ۱۳۷۵ به ۱۲ درصد افزایش یافته است. این نرخ در سال ۱۳۸۱ به ۱۱/۵ درصد و در سال ۱۳۸۲ به ۱۰/۵ درصد کاهش یافته و در سال ۱۳۸۳ مجدداً افزایش یافته و به ۱۴/۲ درصد رسیده است (علافر، ۱۳۸۳). بر اساس گزارش خبرگزاری فارس در سال ۱۳۸۴ نرخ فعالیت زنان به ۱۶/۵ درصد افزایش یافته است. همان طور که مشاهده می‌شود، علیرغم وجود نوساناتی، شاهد افزایش نهایی نرخ فعالیت زنان از سال ۱۳۶۵ (۸/۲ درصد) تا سال ۱۳۸۴ (۱۶/۵ درصد) هستیم.

این روند رشد، توجه به شرایط خانوادگی زنان شاغل را ضروری می‌سازد. تقسیم جنسیتی نقش‌های خانوادگی تا قبل از ورود زنان به بازار کار به این ترتیب بوده است که نقش‌های مادری و همسری که متضمن فعالیت‌هایی چون تربیت فرزند و تأمین نیازهای عاطفی و زیستی وی و نیز انجام کارهای خانگی چون نظافت، شستشو، پخت و پز و مانند آن بوده است به زنان و نقش نان آور خانواده بودن، که خود شامل تأکید بر فعالیت شغلی شوهران می‌شود به مردان نسبت داده می‌شده است.

تحقیقات نشان می‌دهد که به دلیل افزایش تعداد زنان شاغل، دیدگاه ایشان نسبت به تقسیم جنسیتی کارهای خانگی تغییر کرده و به سمت انجام مشارکتی کارها گرایش یافته است. به عنوان مثال نتایج تحقیق جاراللهی (۱۳۷۴) نشان داده است که «زنان شاغل بیش از زنان غیرشاغل معتقدند که زنان باید به تنهایی و یا با همفکری همسرانشان در امور زندگی تصمیم بگیرند. در عمل نیز قدرت تصمیم‌گیری زنان شاغل بیش از زنان غیر شاغل مشاهده شده است». بر اساس همین تحقیق، «در مورد انجام کارهای مربوط به خانه، زنان شاغل بیش از زنان غیر شاغل معتقدند که زن و شوهر در انجام این گونه امور باید با هم همکاری داشته باشند و در عمل نیز این چنین مشاهده شده است اما به دلیل غلبه الگوهای رفتاری سنتی بر خانواده‌های مورد

^۱ از آنجا که این تحقیق تنها به بخشی از نتایج تحقیق مذکور در پانویشت شماره یک اشاره دارد، تأثیر شغل بر نگرش و عملکرد پاسخگویان را توضیح نمی‌دهد. علاقمندان به موضوع فوق به اصل تحقیق ارجاع داده می‌شوند.

مطالعه، همکاری شوهران در این زمینه ناچیز بوده است» (جارالهی، ۱۳۷۴: ۱۳۶). این مطلب نشان می‌دهد که اولاً نگرش و نحوه عملکرد زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار متفاوت است و ثانیاً این تفاوت میان زنان و مردان شاغل نیز وجود دارد.

در تحقیق حاضر این تفاوت میان نگرش و عملکرد زنان و مردان به دقت مورد بررسی قرار گرفته است. این یک ضرورت نظری است که نشان داده شود آیا افزایش اشتغال زنان، که در منابع بدان تأکید شده است، تأثیری در نگرش زنان و مردان در مورد تقسیم جنسیتی نقش‌های خانگی و نیز عملکرد آنها در این زمینه داشته است یا خیر. اگر پاسخ مثبت باشد می‌توان انتظار داشت که در بلند مدت تغییراتی در تقسیم جنسیتی نقش‌های خانوادگی حاصل شود، وگرنه باید منتظر پیامدهای افزایش بار نقش بر زنان شاغل بود که می‌تواند تأثیرات منفی بر حیات خانواده و تربیت فرزندان و در نتیجه سرنوشت جامعه داشته باشد.

پیشینه تجربی موضوع

دو تحقیقی که در غرب انجام شده و بین نوع خانواده و چگونگی تقسیم جنسیتی نقش‌ها ارتباط برقرار نموده است، زمینه مناسبی را برای حرکت از تئوری‌های کلان به سمت آزمون فرضیه تحقیق فراهم می‌آورد. به گزارش اعزازی (۱۳۷۶)، تحقیق اول توسط الیزابت بات در سال ۱۹۵۶ انجام شد. بات نتایج تحقیق را که پس از بررسی ۲۰ خانواده انگلیسی در لندن حاصل شده بود در کتاب مشهور خود با عنوان خانواده و شبکه اجتماعی منتشر نمود. وی بررسی را با روش مصاحبه عمیق انجام داد که طی آن با زن‌ها و شوهرانشان در مورد نقش‌های خانوادگی به گفت و گو نشست و به وجود دو الگوی تقسیم نقش در خانواده پی‌برد. الگوی اول خانواده‌هایی بودند که زن و شوهر، هر یک به‌تنهایی و بدون کمک دیگری وظایف خود را انجام می‌دادند. زن در محدوده وظایف سستی خود و مرد هم در محدوده همین وظیفه مسئولیت کامل داشت. الگوی دوم تقسیم نقش در خانواده کاملاً متفاوت بود، یعنی زن و شوهر در اکثر فعالیت‌ها به صورت مشترک با یکدیگر همکاری داشتند.

بات سعی کرد که تفاوت‌های نقشی الگوی خانوادگی را تفسیر کند و به این نتیجه رسید که تقسیم نقش در درون خانواده بیش از آنکه یک پدیده طبیعی، یا ضروری برای انسجام خانواده باشد، به رابطه زوج‌ها با محیط اجتماعی بستگی دارد. اگر آنها کمک و پشتیبانی گروه‌های دیگر را بدست آورند وظایف هر یک به کمک افراد همجنس دیگر خود از گروه‌های خارج از خانواده وابسته خواهد شد. اگر این کمک‌ها و پشتیبانی‌ها نباشد زن و

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۳۱

شوهر به یکدیگر وابستگی متقابل می‌یابند. در حقیقت بر خلاف نظر پارسونز، به نظر بات تداخل در نقش‌ها، باعث اغتشاش امور خانوادگی نمی‌شود. حتی می‌توان ادعا کرد که این کار به انسجام بیشتر خانواده کمک می‌کند.

در تحقیق دیگری که لیندها در فواصل سال‌های ۱۹۳۵-۱۹۲۴ در شهر «میدل تاون» انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که تفاوت‌های جنسیتی در خانواده‌های مورد مطالعه به طور چشمگیری وجود داشت. در دو طبقه تجار و کارگر، مردها نقش نان آور و زن‌ها نقش خانه‌داری و مسئولیت مراقبت از فرزندان را به عهده داشتند و در هیچیک از خانواده‌ها کوششی برای بهبود روابط خانوادگی یا موفقیت در ازدواج دیده نمی‌شد. در واقع ازدواج را به همان صورت که بود قبول داشتند و هرگز با یکدیگر در مورد روابط خانوادگی بحث و گفتگو نمی‌کردند و حتی جدایی روابط به شدت دیده می‌شد، به طوری که تفریحات مردها با یکدیگر و تفریحات زن‌ها نیز با زن‌ها بود. اما در شرایط رکود اقتصادی (در سال ۱۹۳۵) که مردها به سرعت نقش نان آوری را از دست دادند و در مواردی زن‌ها این نقش را کسب کردند، در نقش سنتی تغییری مشاهده شد. مردها با از دست دادن نقش نان آوری اهمیت خود را در درون خانواده نیز از دست دادند (اعزازی، ۱۳۷۶).

با توجه به دو تحقیق بالا می‌توان ادعا کرد که تقسیم نقش در درون خانواده وابسته به چگونگی روابط اجتماعی خانواده است.

در ایران نیز برخی از تحقیقات در ارتباط با تقسیم جنسیتی نقش‌های خانوادگی انجام شده است. در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی (احمدی، ۱۳۸۳: ۲۲)، به نحوه تقسیم کار خانگی میان زنان و مردان متأهل کرمان اشاره شده و آمده است: «کارهای مربوط به درون خانه بیش تر بر دوش زنان، و کارهای بیرون خانه بیش تر بر عهده مردان است. ۸۴/۸ درصد زنان به تهیه غذا می‌پردازند، اما در فعالیت‌هایی مانند تأمین مخارج زندگی، انجام امور مربوط به بیرون خانه و خرید مایحتاج زندگی، مردان بیش از زنان نقش دارند».

نتایج تحقیقی در چند واحد کارگری در تهران پیرامون اثر اشتغال زن در خانواده (سنگلجی، ۱۳۷۰) نشان می‌دهد که در ۵۵/۳ درصد موارد زن و در ۲۲/۸ درصد موارد زن و شوهر تأمین کننده مخارج خانه بوده‌اند. از این میان ۷۶/۵ درصد کل زنانی که خودشان به تنهایی تأمین کننده مخارج زندگی هستند، خود نیز در امور منزل تصمیم گیرنده‌اند. به عبارت دیگر استقلال اقتصادی آنها به همراه خود قدرت تصمیم‌گیری را نیز به ارمغان آورده است.

تحقیق دیگری در مورد اثر اشتغال زنان کارگر بر میزان مشارکت زوجین در امور خانواده (جارالهی، ۱۳۷۴) نتایج جالبی را در این زمینه بدست می‌دهد. این تحقیق میان نگرش‌های زنان کارگر و زنان خانه‌دار

و عملکرد آنها مقایسه بعمل آورده است. نتایج نشان می‌دهد که در ارتباط با تصمیم‌گیری در امور خانه، اگر چه طرز فکر سنتی که در آن تصمیم‌گیرنده اصلی مردان تلقی می‌شوند غلبه دارد، اما در مقایسه می‌توان گفت که «زنان شاغل بیش از زنان غیر شاغل تساوی‌گرا هستند و ورود آنان به بازار کار موجب تغییر در طرز فکر آنان شده است» (جارالهی، ۱۳۷۴: ۱۴۰). در تحقیق دیگری (جوادی دوست، ۱۳۷۹)، معلوم شد که (در خانواده زنان شاغل) در زمینه ادامه تحصیل فرزندان، در مورد خرید خانه و در رابطه با مخارج خانه، زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند (جوادی دوست، ۱۳۷۹: ۸۹).

برخی از تحقیقات نیز به اثر تحصیلات بر نقش زن در خانواده اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال نتایج تحقیقی (شالباغ، ۱۳۸۰)، نشان می‌دهد که «تأثیر تحصیلات زنان در بالا بردن قدرت تصمیم‌گیری آنان در امور خانوادگی به سمت برابری با مردان بسیار زیاد بوده است. این تأثیر مخصوصاً در امور اقتصادی ... بیشتر بوده است» (شالباغ، ۱۳۸۰: ۱۲۴).

آبوت و والاس (۱۳۸۰: ۱۲۸) در زمینه تقسیم کار در خانه به نتایج برخی از تحقیقات اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال اینکه «بنا بر پژوهش ادگل تصمیم‌گیری‌های کم‌اهمیت‌تر مثل تهیه غذا یا خرید پوشاک بچه‌ها با زنان است در حالی که تصمیم‌های مهم نظیر تغییر محل سکونت را مردان می‌گیرند». این نویسندگان معتقدند که این الگو صرف‌نظر از شاغل یا خانه‌دار بودن زنان بر خانواده‌ها حاکم است و در مورد زنان شاغل باعث بی‌عدالتی مضاعف می‌شود، چر که «شمار زنانی که افزون بر اشتغال در بیرون از خانه هم چنان خانه‌داری و آشپزی و بچه‌داری را به عهده دارند روز به روز بیشتر می‌شود» (همان: ۱۲۸).

جمع‌بندی از تحقیقات فوق نشان می‌دهد که اولاً در سراسر دنیا تقسیم جنسیتی نقش‌ها به‌نحوی مشابه اما به میزان‌های متفاوت وجود دارد. ثانیاً تحصیل و اشتغال زنان اگر چه بار نقش را در آنها افزایش داده است، اما در مواردی هم منجر به افزایش میزان تصمیم‌گیری آنها در امور خانوادگی شده است. ثالثاً، در خانواده‌هایی که در آن زن تحصیل‌کرده است و یا زن و مرد هر دو شاغل هستند، میزان تصمیم‌گیری‌های مشارکتی و نیز انجام مشارکتی امور خانه افزایش یافته است، اگر چه هنوز هم عمده کار خانگی به عهده زنان است.

اما نکته‌ای که در این تحقیق‌ها بدان توجه کافی مبذول نشده است رابطه میان نقش کاربسته و نقش مورد انتظار نه‌تنها در میان دو نوع خانواده (زنان شاغل و خانه‌دار)، بلکه همچنین در میان دو جنس است. به نظر می‌رسد زنان از نقش مورد انتظار و نقش کاربسته خودشان تصوراتی دارند که با تصورات مردان از همین

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۳۳

موارد متفاوت است. به همین دلیل در تحقیق حاضر تأثیر جنسیت پاسخگویان در تصورشان از نقش‌های مورد انتظار زنان و نیز عملکرد آنها در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است.

تحقیق حاضر که به دنبال یافتن رابطه میان نظر و عمل در برخورد با نقش‌های خانوادگی زنان است از ابعاد گوناگون به این موضوع پرداخته و این رابطه را میان دو جنس مورد مقایسه قرار می‌دهد. نتایج این تحقیق می‌تواند در شناخت بهتر وضعیت زنان در جامعه، چه از بعد نگرش‌ها و چه از نظر عملکردها کمک نماید.

از طرف دیگر وضعیت شغلی زن در محل کار مستقیم یا غیر مستقیم از وضعیت خانوادگی وی تأثیر می‌پذیرد. نتایج تحقیقی در مورد زنان شاغل در رادیو و تلویزیون ایران (راودراد، ۱۳۸۰)، نشان می‌دهد که «- موقعیت شغلی زنان در رسانه وابستگی زیادی با موقعیت خانوادگی ایشان و نوع نگاه مدیران و مسئولین رسانه درباره نقش و وظایف اصلی زنان در جامعه دارد. از یک طرف تصور کلی این است که وظیفه اصلی زنان مادری و همسری است. از طرف دیگر اگر زنان این دو وظیفه خود را به خوبی انجام دهند معنای آن این است که آنها باید متأهل و دارای فرزند باشند. در موقعیت شغلی، معنای آن عدم ثبات کار زنان است که باعث می‌شود آنها همواره شاغلینی موقتی و در معرض غیبت محسوب شوند» (راودراد، ۱۳۸۰: ۱۹۱). این مطلب نشان می‌دهد که مطالعه چگونگی تقسیم جنسیتی نقش‌های خانگی نه تنها از جهت تأثیرات آن در کیفیت زندگی خانوادگی زنان شاغل، بلکه از جهت تأثیرات آن در کیفیت اشتغال ایشان نیز حائز اهمیت است. بازنگری در نحوه تقسیم نقش‌های خانوادگی زن و مرد شاغل خود می‌تواند به تغییر نگرش نسبت به محدودیت‌های زن شاغل و نیز عملکرد بهتر آنها در محل کار منجر شده و کیفیت کاری زن را نیز ارتقاء بخشد.

چارچوب نظری

مفهوم کلیدی که در این بررسی به آن پرداخته شده است مفهوم نقش و به خصوص نقش جنسیتی است. توجه به تفاوت محرز میان جنس و جنسیت در این مقاله اهمیت دارد. در حالی که مفهوم جنس به خصوصیات بیولوژیکی فرد اشاره دارد، جنسیت مفهومی اجتماعی است که عمدتاً شامل انتظارات جامعه از هر جنس است. برای نمونه زن به لحاظ بیولوژیکی می‌تواند مادر باشد و مرد نمی‌تواند. اما اینکه مادری چیست و از یک مادر انتظار انجام چه کارهایی می‌رود، بحثی کاملاً جنسیتی و نه جنسی است. همین انتظارات است که پایگاه و نقش جنسیتی را برای افراد می‌سازد و تغییر و تحول پایگاه و نقش بستگی به نوع تغییر و تحول در ساخت کلی جامعه دارد. با اتخاذ یک دید تاریخی مشاهده می‌شود که نقش و پایگاه زنان در طول تاریخ تغییراتی را چه در حوزه خانواده و چه در حوزه جامعه متحمل شده است (اعزازی، ۱۳۷۶). نظریه‌های

گوناگون به علت تقسیم جنسیتی نقش‌ها در خانواده اشاره داشته‌اند. همان طور که لیندسی^۱ (۱۹۹۴) در توضیح تئوری‌های جامعه‌شناختی که به شرح نقش‌های جنسیتی و رابطه آن با نقش‌های اجتماعی پرداخته‌اند اشاره می‌کند، کارکردگرایی، نظریه تضاد و نظریه کنش متقابل نمادی مهم‌ترین نظریه‌های متقدم در این زمینه هستند. تئوری‌های یاد شده بیشتر بر نقش‌های کار بسته تکیه دارند، اما در تناسب بیشتر با موضوع مقاله حاضر، نظریه دیگری وجود دارد که بر به‌عهده گرفتن نقش‌ها از سوی زن و مرد و تقسیم عادلانه جنسیتی کار تأکید می‌کند. این نظریه که به‌طور کلی به نظریه فمینیسم معروف است، خود شاخه‌های چندی دارد که از نظر میزان تغییرات مورد تقاضا در رابطه با تقسیم جنسیتی نقش‌ها در جامعه با هم متفاوت هستند. یکی از این شاخه‌ها که در تحقیق حاضر مورد استناد و استفاده قرار گرفته است، شاخه فمینیسم لیبرال است که معتدل‌ترین نوع فمینیسم است و بر این اصل صحنه می‌گذارد که همه مردم مساوی آفریده شده‌اند و نباید به علت جنسیت خود از این تساوی محروم شوند. این شاخه بر عقلانیت زنان و مردان تأکید می‌کند و بر این باور است که همه افراد صرف نظر از زن یا مرد دارای قوای عقلانی مساوی هستند و به همین دلیل می‌توان به وسیله تعلیم و تربیت در جامعه تغییر و تحول ایجاد کرد. (لیندسی، ۱۹۹۴: ۱۲).

مبانی نظری فمینیسم لیبرال در چندین کتاب بحث و با شاخه‌های دیگر فمینیسم مقایسه شده است (دانووان^۲، ۲۰۰۰؛ زالوسکی^۳، ۲۰۰۰؛ فریدمن^۴، ۲۰۰۱). در این رویکرد پنج نکته به‌عنوان اصل پذیرفته است: ۱- ایمان به عقلانیت؛ ۲- باور به این که روح و توان عقلی زنان و مردان یکسان است؛ ۳- باور به این که آموزش مؤثرترین وسیله برای تغییرات اجتماعی است؛ ۴- نگرش به فرد به‌عنوان کسی که گذشته از دیدگاه دیگران، حقیقت را خود می‌یابد، و عقلانی عمل می‌کند؛ ۵- عقیده به لزوم برخورداری زنان از حقوق طبیعی انسان‌ها به‌طور کلی (دانووان، ۲۰۰۰: ۲۳).

این شاخه فمینیسم معتقد است که از بین رفتن جنسیت‌گرایی و تبعیض به سود مردان نیز هست. زیرا در این صورت، زنان سطح اشتغال خود را به فعالیت‌های بیرون از خانه ارتقاء می‌دهند و مردان نیز در بخشی از زمان خود به انجام کارهای درون خانه می‌پردازند. هیچ کدام از گروه زنان و یا مردان در جامعه بر یکدیگر برتری ندارند بلکه با هم همکاری می‌کنند (لیندسی، ۱۹۹۴).

1 -Lindsay
2 -Donovan
3 -Zalewski
4 -Freedman

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۳۵

اتخاذ این نظریه به‌عنوان چارچوب نظری مقاله حاضر به این دلیل است که بر اساس آن بدنبال افزایش سطح اشتغال زنان به فعالیت‌های بیرون از خانه، افزایش مشارکت مردان در فعالیت‌های درون خانه رخ خواهد داد و به تعادل بهتر تقسیم جنسیتی نقش‌های خانوادگی کمک خواهد کرد. این ادعایی نظری است که صحت و سقم آن در مقاله حاضر با توجه به زنان و مردان شاغل کارگر و متخصص مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه تحقیقات قبلی میزان کمی از همکاری و مشارکت زوجین (اعم از خانواده‌های زنان شاغل و خانه‌دار) را در کارهای خانه گزارش کرده‌اند، تحقیق حاضر می‌تواند نشان دهنده تغییرات حاصل در این زمینه باشد.

فرضیه‌ای که بر مبنای این نظریه می‌تواند مطرح باشد این است که بین جنس پاسخگویان و شکاف میان نظر و عمل در نقش‌های خانوادگی رابطه وجود دارد. بدین معنا که نظرات مردان در مورد وظایف و نقش‌های خانوادگی زنان و مردان ثابت مانده در حالی که نظر زنان، به علت اشتغال تغییر کرده است. این تفاوت باعث شده است که فاصله میان نظر زنان و مردان با عمل آنها در نقش‌های خانوادگی نیز متفاوت باشد. بنابراین انتظار می‌رود که این شکاف در زنان بیشتر و در مردان کمتر باشد. اگر چنین تفاوتی در نتیجه تحقیق تأیید شود نشان دهنده عدم کارایی نظریه فمینیسم لیبرال برای توضیح وضعیت در ایران است. چنانچه این تفاوت تأیید نشود و نشان داده شود که در هر صورت انجام مشارکتی کارها در خانه افزایش یافته است، می‌توان نتیجه گرفت که این نظریه مبنای خوبی برای توضیح وضعیت موجود در جامعه مورد بررسی می‌باشد.

روش پژوهش

این تحقیق با روش پیمایشی اجرا شده و تکنیک گردآوری آن پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق عبارت است از ۱۴۴۸۲۳ زن و مرد کارگر و متخصص که همگی متأهل بوده و در تهران شاغل می‌باشند. با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی خوشه‌ای و با احتمال نامتناسب، نمونه‌ای با حجم ۶۵۰ نفر بدین شرح انتخاب شده‌اند: متخصصان را اساتید دانشگاه‌های تهران در نظر گرفته‌ایم و ابتدا ۳۰ دانشکده را از بین دانشکده‌های دانشگاه‌های شهر تهران با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب کرده‌ایم و سپس با همان روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۱۱۳ زن و ۱۷۸ مرد را از بین اساتید متأهل دانشکده‌های منتخب برگزیده‌ایم. در مورد کارگران نیز با همین روش از فهرست کارگاه‌های دایر در تهران که بیش از صد نفر کارگر داشتند تعدادی کارگاه انتخاب شده‌اند و سپس از بین کارگران متأهل آنها ۱۶۸ زن و ۱۹۱ مرد با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. با توجه به کمتر بودن تعداد زنان شاغل در هر

دو گروه شغلی نسبت به مردان سهم زنان را در نمونه بالا برده‌ایم تا با تعداد مردان قابل مقایسه باشد. در مورد کارگران پرسشنامه‌ها به شکل مصاحبه حضوری و در مورد متخصصان توسط خودشان تکمیل شده است. همان طور که گفته شد فرضیه کلی تحقیق این است که جنسیت فرد از عواملی است که بر چگونگی انتظارات وی از نقش‌های خانوادگی زن، عملکرد وی در این رابطه، شکاف میان نظر و عمل تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر زنان بیشتر از مردان انتظار دارند که امور خانه‌داری مشترکاً توسط زن و مرد انجام گیرد، هرچند در عمل انجام امور خانه‌داری به طور سنتی عمدتاً توسط زن‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین در این تحقیق عامل جنسیت متغیر مستقل است و نقش مورد انتظار و نقش کاربسته در انجام امور خانه‌داری متغیرهای وابسته هستند. نقش مورد انتظار و نقش کاربسته در انجام امور خانه‌داری در سه بعد کلی امور منزل، تصمیم‌گیری درباره هزینه‌های زندگی خانوادگی و امور فرزندان به‌طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت به یک جمع بندی کلی خواهیم رسید.

همسازی درونی مفاهیم و متغیرهای چندگویه‌ای در این تحقیق که ضریب آلفای کرونباخ مبین آن است، نسبتاً بالاست (جدول ۱) و نشان می‌دهد که سنجش این مفاهیم از پایایی^۱ به معنی ثبات و تکرارپذیری سنجش برخوردار است. تأیید فرضیه‌های مرتبط با این مفاهیم مبین برخورداری سنجش این مفاهیم از اعتبار سازه^۲ است. برخورداری سنجش این مفاهیم از پایایی و اعتبار را می‌توان به سنجش سایر متغیرها نیز تعمیم داد.

جدول ۱: پایایی سنجش متغیرها

مفهوم	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
تمیزی	۳	۰/۸۳
امور مهم	۵	۰/۷۷
سایر امور	۵	۰/۷۰
امور فرزندان زیر دو سال	۵	۰/۷۶
امور فرزندان دو تا شش سال	۵	۰/۸۰
امور فرزندان مدرسه‌رو	۳	۰/۶۸

1 - Reliability
2 - Construct Validity

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۳۷

در این تحقیق برای تحلیل آماری رابطه دو متغیره از جداول تقاطعی و مقایسه درصدها استفاده شده است و از آنجایی که نتایج این تحلیل‌ها مبتنی بر نمونه احتمالی است و چه بسا حاصل خطای نمونه‌گیری باشد از آمار استنباطی χ^2 و سطح معناداری آن سود جسته‌ایم تا قابلیت تعمیم نتایج به جمعیت مشخص گردد.

ویژگی‌های کلی پاسخگویان:

در این تحقیق از ۲۸۱ زن و ۳۶۹ مرد در دو گروه شغلی کارگر و متخصص پرسش بعمل آمد. سن پاسخگویان از ۲۱ تا ۶۴ سال متغیر بود که بیشترین تعداد (۴۳/۸٪) به گروه سنی ۳۲-۴۲ سال تعلق دارند. بعد از آن به ترتیب گروه‌های سنی ۴۳-۵۳ سال (۷/۶٪)، ۲۱-۳۱ سال (۲۰/۸٪) و گروه سنی ۵۴-۶۴ سال (۷/۸٪) قرار دارند.

از نظر میزان تحصیلات، پاسخگویان با توجه به نوع شغلشان به دو گروه کلی دیپلم به پایین و بالاتر از دیپلم تقسیم می‌شوند که در گروه اول بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم و در گروه دوم بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات تا سطح دکترا می‌باشد.

در رابطه با فرزندان و تعداد آنها در خانواده‌های جامعه مورد بررسی باید گفت که ۸۰/۸ درصد آنها (۵۲۵ نفر) دارای فرزند هستند. اکثریت پاسخگویان یعنی حدود ۶۵ درصد آنها بین یک تا دو فرزند دارند و به نسبتی که تعداد فرزندان بیشتر می‌شود از تعداد پاسخگویان نیز کم می‌گردد. به طور کلی متوسط تعداد فرزندان هر خانواده ۲/۴ فرزند است.

رابطه میان جنس و نقش‌های خانوادگی:

قبل از پرداختن دقیق به تحلیل جدول‌های دو بعدی لازم است یک نکته کلی توضیح داده شود. در سؤال‌های مربوط به نقش‌های خانوادگی، پاسخگویان در مورد هر سؤال از میان سه گزینه «زن به تنهایی»، «زن و مرد با هم» و «مرد به تنهایی» یکی را انتخاب کردند. بخشی از سؤال مربوط به نظر پاسخگو و بخشی دیگر از آن مربوط به چگونگی عملکرد پاسخگو در خانواده بوده است. پاسخ‌ها از یک طرف نشان دهنده نظر پاسخگویان درباره اینکه کار توسط کدام یک از زن و شوهر باید انجام شود و از طرف دیگر بیانگر این است که در عمل در خانواده پاسخگو کار مربوطه توسط چه کسی انجام می‌شود. نکته‌ای که در مورد اکثر نتایج صادق است این است که گزینه «زن و مرد با هم» بیش از گزینه‌های دیگر چه در نظر و چه در عمل انتخاب شده است. به همین جهت تراکم نتایج در قسمت نظر و عمل این گزینه بسیار بیشتر از دو گزینه دیگر است.

این مطلب می‌تواند دو دلیل داشته باشد. دلیل اول اینکه شاغل بودن زنان مورد بررسی باعث شده است که به طور کلی میزان همکاری مردان در منزل با آنان افزایش یابد. دلیل دوم می‌تواند، خود توجیه‌گری پاسخگویان باشد از این جهت که امروز شعار برابری زن و مرد و کمک و همیاری آن دو در زندگی و خانواده به وفور در رسانه‌ها و سخنرانی‌ها به شکل‌های مختلف تکرار می‌شود. کمک و همیاری در خانواده دارای ارزشی شده است که پاسخگویان خواه ناخواه با توجه به آن جواب‌های خود را تنظیم نموده‌اند.

برای کم نمودن تأثیر دو عامل فوق در استفاده از جدول‌ها به این شکل عمل شد که میان نظر و عمل پاسخگو در گزینه «زن و مرد با هم» مقایسه بعمل آمد و تأثیر تفاوت میان این دو دسته پاسخ در دو گزینه قبل و بعد از آن بررسی شد. به‌عنوان مثال اگر در مورد امور منزل در نظر گفته شد ۸۰ درصد از آقایان معتقدند که کار خانه باید مشترکاً انجام شود، اما در عمل ۶۰ درصد می‌گویند که در خانه کارها به طور مشترک انجام می‌شود، ببینیم آن ۲۰ درصد باقیمانده را زن به تنهایی انجام می‌دهد یا مرد به تنهایی. در این صورت معلوم می‌شود که کدام یک علیرغم عقیده به اشتراک مساعی در کارها، بار بیشتری از وظایف را به دوش می‌کشند. اگر این دیگری زن بود، نتیجه آزمون فرضیه این می‌شود که میان نظر و عمل پاسخگویان به نفع مردان شکاف وجود دارد، و اگر این دیگری مرد بود نتیجه عکس گرفته می‌شود. در حالتی که در برخی امور زن و در برخی امور مرد کار بیشتری انجام می‌داد، می‌توانیم بگوییم که چگونه کارهای منزل و فرزندان در درون خانه نیز با یک دیدگاه جنسیتی تقسیم شده به طوری که برخی وظیفه مرد و برخی وظیفه زن تلقی می‌شود.

همان‌طور که گفته شد بر اساس فرضیه اصلی تحقیق بین جنس پاسخگویان و شکاف میان نظر و عمل در نقش‌های خانوادگی رابطه وجود دارد. در رابطه با این فرضیه لازم است متغیرهای نقش‌های خانوادگی به تفکیک جنس با هم مقایسه شوند. از آنجا که تعداد متغیرها برای نتیجه‌گیری زیاد است، آزمون فرضیه به شیوه آماری و با استفاده از یک متغیر ممکن نیست. پس از مجموع نتایج جدول‌های زیر به یک نتیجه‌گیری کلی خواهیم رسید.

الف- انجام امور منزل:

در این قسمت، فرضیه تحقیق را در مورد نقش‌های خانوادگی با در نظر گرفتن شاخص کارهای منزل مورد بررسی قرار می‌دهیم. در مورد این شاخص ۹ متغیر که لیست آنها در جدول شماره ۲ آمده، اندازه‌گیری شده است. در این جدول ابتدا نتایج کلی ذکر می‌شود و سپس شاخص‌های ساخته شده به تفکیک جنس بررسی خواهد شد.

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۳۹

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود بعضی از کارهای خانه عمدتاً توسط زنان انجام می‌شود، برخی مشترک و برخی عمدتاً توسط مردان. کارهایی که عمدتاً توسط زنان انجام می‌شود، آشپزی، نظافت منزل، شستشوی لباس‌ها و اطو کشی است. تقریباً در همه این موارد در حوزه نظر پاسخگویان بیشتر معتقد به لزوم مشارکت زن و مرد با هم در انجام کارها بوده‌اند، ولی در عمل این خانم‌ها بوده‌اند که بیشتر به تنهایی به انجام امور مبادرت ورزیده‌اند.

جدول ۲: توزیع نقش مورد انتظار و کار بسته در کارهای منزل (بر حسب درصد)

شکاف	نقش کار بسته					نقش مورد انتظار				
	تعداد	٪	♀	مرد	♀	تعداد	٪	♀	مرد	♀
آشپزی	۶۲۰	۱۰۰	۰	۳۰	۷۰	۶۱۴	۱۰۰	۰	۵۰	۵۰
نظافت منزل	۶۲۱	۱۰۰	۰	۴۶	۵۴	۶۱۳	۱۰۰	۱	۶۳	۳۶
شستشوی لباسها	۶۰۴	۱۰۰	۰	۳۵	۶۵	۵۱۸	۱۰۰	۰	۵۲	۴۸
اطو کشی	۶۰۸	۱۰۰	۲	۴۴	۵۴	۶۰۲	۱۰۰	۱	۶۲	۳۷
خرید مایحتاج روزانه	۶۲۴	۱۰۰	۲۱	۶۶	۱۳	۶۰۸	۱۰۰	۱۸	۷۲	۱۰
آماده کردن مواد غذایی	۶۰۰	۱۰۰	۸	۴۹	۴۳	۶۰۰	۱۰۰	۷	۶۲	۳۱
تهیه وسایل منزل	۶۲۱	۱۰۰	۱۶	۷۶	۸	۶۰۸	۱۰۰	۱۲	۸۲	۶
امور تاسیسات منزل	۶۱۰	۱۰۰	۶۰	۳۴	۶	۵۹۵	۱۰۰	۵۴	۴۲	۴
آماده سازی مقدمات مهمانی	۶۲۶	۱۰۰	۵	۷۱	۲۴	۶۱۵	۱۰۰	۳	۷۹	۱۸

اما کارهایی چون خرید مایحتاج روزانه، آماده کردن مواد غذایی، تهیه وسایل منزل و آماده سازی مقدمات میهمانی را اکثریت پاسخگویان چه در حوزه نظر و چه در حوزه عمل، همکاری مشترک بیان کرده‌اند و تنها کار مربوط به منزل که اکثراً چه در نظر و چه در عمل گفته‌اند باید توسط مرد به تنهایی انجام شود و

می‌شود، امور مربوط به نگهداری و تأسیسات منزل بوده است. در این مورد مردها حتی بیش از آنچه از ایشان انتظار می‌رود فعالیت دارند.

مقولات جدول بالا در یک طبقه‌بندی بزرگتر با هم جمع شده و شاخص‌های آشپزی، تمیزی، خرید و تهیه وسایل منزل، نگهداری و تأسیسات را تشکیل داده‌اند که در اینجا به تفکیک به رابطه آنها با جنس پاسخگویان اشاره خواهد شد.

۱- آشپزی:

کار آشپزی را اکثر مردها (۵۶ درصدشان) کاری صرفاً زنانه می‌دانند و انتظار دارند که آشپزی را زن‌ها انجام دهند، در حالی که اکثر زنان (۵۷ درصدشان) انتظار دارند که آشپزی مشترکاً توسط زن و مرد انجام گیرد (جدول ۳). با این همه، انجام این کار (نقش کار بسته) در این زمینه عمدتاً برعهده زنان است و در بیش از دو سوم (۷۰ درصد) خانواده‌ها آشپزی صرفاً توسط زن‌ها صورت می‌گیرد. بدین ترتیب در کار آشپزی میزان نقش کار بسته زنان حدود ۱/۴ برابر میزان نقش مورد انتظار آنهاست. این نسبت در خانواده زنان پاسخگو ۱/۶ و در خانواده مردان پاسخگو ۱/۳ است که فزونی آن در خانواده زنان پاسخگو ناشی از شکاف بیشتر بین انتظار آنان و نقش کار بسته زنان در این مورد است.

جدول ۳: توزیع نقش مورد انتظار و کار بسته در آشپزی بر حسب جنسیت (بر حسب درصد)

شکاف*	نقش کار بسته					نقش مورد انتظار					جنس
	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	
۱/۶	۲۶۲	۱۰۰	۰	۳۳	۶۷	۲۶۳	۱۰۰	۰	۵۷	۴۳	زن
۱/۳	۳۵۸	۱۰۰	۰	۲۷	۷۳	۳۵۱	۱۰۰	۰	۴۴	۵۶	مرد
۱/۴	۶۲۰	۱۰۰	۰	۳۰	۷۰	۶۱۴	۱۰۰	۰	۵۰	۵۰	کل

$\chi^2 = ۲/۷۱$	$df = ۲$	$Sig = ۰/۱۰$	$\chi^2 = ۹/۹۹$	$df = ۲$	$Sig = ۰/۰۰$
-----------------	----------	--------------	-----------------	----------	--------------

شکاف به معنی نسبت درصد نقش کار بسته زنان به درصد نقش مورد انتظار آنهاست.

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۴۱

۲- تمیزی:

کار تمیزی (نظافت منزل، شستشوی لباس، اطو کشیدن) را هم مردان و هم زنان اکثراً کاری می‌دانند که باید مشترکاً توسط هر دو انجام گیرد، هر چند انتظار زنان در این مورد بیشتر از مردان است: ۶۵ درصد برابر ۵۵ درصد (جدول ۴). با این همه، در عمل در اکثر خانواده‌ها کار نظافت را صرفاً زنان انجام می‌دهند. آشپزی و نظافت اموری‌اند که تقریباً هیچ مردی به تنهایی به آن نمی‌پردازد و چنین انتظاری را هم نه خودشان دارند و نه زن‌ها.

جدول ۴: توزیع نقش مورد انتظار و کار بسته در تمیزی بر حسب جنسیت (بر حسب درصد)

شکاف	نقش کار بسته					نقش مورد انتظار					جنس
	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	
۱/۵	۲۵۷	۱۰۰	۰	۴۶	۵۴	۲۵۷	۱۰۰	۰	۶۵	۳۵	زن
۱/۴	۳۴۷	۱۰۰	۰	۳۶	۶۴	۳۴۳	۱۰۰	۰	۵۵	۴۵	مرد
۱/۵	۶۰۴	۱۰۰	۰	۴۰	۶۰	۶۰۰	۱۰۰	۰	۵۹	۴۱	کل
$\chi^2 = ۷/۰۹$ df = ۲ Sig = ۰/۰۳						$\chi^2 = ۶/۷۶$ df = ۲ Sig = ۰/۰۳					

۳- خرید و تهیه وسایل منزل:

خرید روزمره و تهیه وسایل منزل کارهایی هستند که اکثر قریب به اتفاق زنان (۷۳ درصدشان) و اکثر مردان (۶۵ درصدشان) انتظار دارند به طور مشترک انجام دهند (جدول ۵). با وجود این، در این مورد، هم نقش کار بسته زنان و هم نقش کار بسته مردان نسبت به نقش مورد انتظارشان بیشتر است. معنای این یافته این است که علیرغم اعتقاد به انجام مشترک این کار در خانواده‌های پاسخگویان، در عمل زنان و مردان به تنهایی این وظایف را انجام می‌دهند.

جدول ۵: توزیع نقش مورد انتظار و کار بسته در خرید روزمره و تهیه وسایل منزل بر حسب جنسیت (درصد)

شکاف	نقش کار بسته					نقش مورد انتظار					جنس
	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	
۱/۴	۲۶۱	۱۰۰	۱۹	۶۷	۱۴	۲۵۸	۱۰۰	۱۷	۷۳	۱۰	زن
۱/۱	۳۵۵	۱۰۰	۳۱	۵۸	۱۱	۳۴۴	۱۰۰	۲۵	۶۵	۱۰	مرد
۱/۲	۶۱۶	۱۰۰	۲۶	۶۲	۱۲	۶۰۲	۱۰۰	۲۲	۶۸	۱۰	کل
$\chi^2 = ۱۱/۲۹$ df = ۲ Sig = ۰/۰۰						$\chi^2 = ۵/۴۶$ df = ۲ Sig = ۰/۰۶					

۴- نگهداری و تأسیسات:

امور مربوط به تأسیسات منزل تنها کاری است که عمدتاً مردها انجام می‌دهند و اکثر مردها (۵۸ درصدشان) و نزدیک به نیمی از زن‌ها (۴۷ درصدشان) هم همین انتظار را دارند (جدول ۶). در اینجا نقش کار بسته مردان نسبت به نقش مورد انتظار بیشتر است. اگر چه در مورد زن‌ها نیز نقش کار بسته اندکی از نقش مورد انتظار بیشتر بوده است.

جدول ۶: توزیع نقش مورد انتظار و کار بسته در نگهداری و تأسیسات بر حسب جنسیت (درصد)

شکاف	نقش کار بسته					نقش مورد انتظار					جنس
	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	
۱/۷	۲۵۸	۱۰۰	۵۱	۳۹	۱۰	۲۵۷	۱۰۰	۴۷	۴۷	۶	زن
۱/۳	۳۵۲	۱۰۰	۶۶	۳۰	۴	۳۳۸	۱۰۰	۵۸	۳۹	۳	مرد
۱/۵	۶۱۰	۱۰۰	۶۰	۳۴	۶	۵۹۵	۱۰۰	۵۴	۴۲	۴	کل
$\chi^2 = ۱۸/۱۳$ df = ۲ Sig = ۰/۰۰						$\chi^2 = ۷/۷۷$ df = ۲ Sig = ۰/۰۲					

در یک مقایسه کلی می‌توان گفت که در بین کارهای مهم مربوط به خانه‌داری و منزل، آشپزی و نظافت را عمدتاً زن‌ها انجام می‌دهند، امور مربوط به تأسیسات را عمدتاً مردها انجام می‌دهند و خرید روزمره و تهیه وسایل منزل عمدتاً به صورت مشترک انجام می‌گیرد. نتیجه کلی که از قسمت اول فرضیه می‌توان گرفت این است که در همه امور مربوط به خانه میان نقش مورد انتظار و کار بسته زن تفاوت وجود دارد و این تفاوت و شکاف در پاسخگویان زن بیشتر از پاسخگویان مرد است و این تفاوت هم به لحاظ آماری معنی‌دار است.

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۴۳

ب- تصمیم‌گیری درباره هزینه‌ها:

قسمت دوم فرضیه، در مورد تصمیم‌گیری در نحوه هزینه کردن درآمد خانوار است. این موضوع متشکل از ۱۶ گویه است که همگی ابعاد مختلف تصمیم‌گیری برای صرف هزینه‌ها را در منزل اندازه‌گیری می‌نمایند. جدول ۷: توزیع نقش مورد انتظار و کار بسته در تصمیم‌گیری در امور خانواده (برحسب درصد)

شکاف	نقش کار بسته					نقش مورد انتظار					نقش‌ها امور خانواده
	تعداد	٪	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	٪	تعداد	٪	
۱/۸	۵۲۳	۱۰۰	۴۵	۵۲	۳	۵۲۸	۱۰۰	۳۸	۵۸	۴	اجاره منزل
۱/۷	۶۱۴	۱۰۰	۴۸	۴۷	۵	۵۸۹	۱۰۰	۴۱	۵۶	۳	عوارض برق، آب و...
۱/۵	۶۰۱	۱۰۰	۴۲	۵۲	۶	۵۸۴	۱۰۰	۳۵	۶۱	۴	اقساط منزل و لوازم آن
۱/۳	۶۰۸	۱۰۰	۶۵	۳۱	۴	۵۸۲	۱۰۰	۵۷	۴۰	۳	تعمیرات
۱/۳	۶۰۸	۱۰۰	۱۰	۵۴	۳۶	۵۸۹	۱۰۰	۶	۶۷	۲۷	تزیینات
۱/۳	۶۰۲	۱۰۰	۶	۵۲	۴۲	۵۸۴	۱۰۰	۵	۶۳	۳۲	غذا
۱/۳	۶۰۶	۱۰۰	۲۸	۶۰	۱۲	۵۸۷	۱۰۰	۲۵	۶۶	۹	پوشاک مرد
۱/۳	۶۱۴	۱۰۰	۶	۵۸	۳۶	۵۹۵	۱۰۰	۵	۶۷	۲۸	پوشاک و زینت زن
۱/۵	۵۸۸	۱۰۰	۵	۷۵	۲۰	۵۴۸	۱۰۰	۴	۸۳	۱۳	پوشاک فرزندان
۱/۸	۶۱۵	۱۰۰	۴	۸۰	۱۶	۶۰۱	۱۰۰	۲	۸۹	۹	بهداشت
۲/۰	۶۱۷	۱۰۰	۵	۸۳	۱۲	۶۰۱	۱۰۰	۴	۹۰	۶	امور پزشکی و درمان
۲/۰	۵۷۸	۱۰۰	۱۰	۸۰	۱۰	۵۶۵	۱۰۰	۷	۸۸	۵	تحصیل فرزندان
۱/۷	۵۷۶	۱۰۰	۲۱	۶۹	۱۰	۵۵۴	۱۰۰	۱۵	۷۹	۶	پول توجیبی فرزندان
۱/۶	۶۱۱	۱۰۰	۱۴	۷۸	۸	۵۹۴	۱۰۰	۱۰	۸۵	۵	خرید وسایل منزل
۱/۶	۶۰۲	۱۰۰	۱۴	۷۸	۸	۵۹۲	۱۰۰	۹	۸۶	۵	تفریح و پس انداز
۱/۵	۶۰۱	۱۰۰	۲۹	۶۸	۳	۵۷۵	۱۰۰	۲۲	۷۶	۲	خرید ماشین، خانه و اقلام بزرگ

همان‌طور که از جدول شماره ۷ مشخص می‌شود، پاسخ‌های کلیه متغیرها به غیر از متغیر هزینه تعمیرات در حوزه نظر و عمل در گزینه «زن و مرد مشترک» متراکم هستند، اگر چه در مورد متغیرهای مختلف میزان این تراکم بسیار متفاوت است. همچنین شکاف بین نظر و عمل در همه متغیرها، به غیر از اجاره منزل، بین حداقل ۱/۳ و حداکثر ۲ در نوسان است.

مقوله‌های جدول کمابیش به امور مردانه و زنانه تقسیم شده‌اند به طوری که در تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌های مربوط به اجاره منزل، عوارض برق و آب، اقساط مربوط به منزل و لوازم آن، تعمیرات، غذا، پوشاک مرد، پول تو جیبی فرزندان، خرید وسایل منزل، تفریح و پس انداز، خرید ماشین، خانه یا اقامت درشت دیگر، پس از تصمیم‌گیری مشترک نقش مردان بیشتر است. این نقش حتی بیش از آن چیزی است که در حوزه نظر پاسخگویان معتقدند که باید باشد. مشاهده می‌شود که تفاوت میان نظر و عمل در گزینه «زن و مرد» تأثیر خود را به این شکل گذاشته که نقش انفرادی مردان در حوزه‌های فوق (امور مالی مهم) بیشتر شده است.

در عوض در مورد تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌های مربوط به تزیینات منزل، پوشاک و زینت زن، پوشاک فرزندان، بهداشت و امور پزشکی و درمان، پس از تصمیم‌گیری مشترک، نقش زنان بیشتر است. این نقش حتی بیش از آن چیزی است که در حوزه نظر پاسخگویان معتقدند باید باشد. باز هم مشاهده می‌شود که تفاوت میان نظر و عمل در گزینه «زن و مرد» تأثیر خود را به این شکل گذاشته که نقش انفرادی زنان در حوزه‌های فوق (امور مالی جزئی) بیشتر شده است. در مورد هزینه‌های مربوط به تحصیل فرزندان نیز زن و مرد به یک اندازه دخالت دارند. در برابر نقش نسبتاً منفعل مردان در شاخص‌های نقش‌های خانوادگی قبلی، مشاهده می‌شود که در تصمیم‌گیری در هزینه کردن درآمد خانواده مردان نقشی کاملاً فعال به عهده دارند.

گویه‌های مربوط به این قسمت فرضیه را به دو دسته امور مهم و سایر امور تقسیم کرده و سپس نقش جنس را در پاسخ‌ها بررسی کرده‌ایم. در اینجا به نتایج این بررسی اشاره می‌شود:

۱- تصمیم‌گیری درباره هزینه امور مهم:

تصمیم‌گیری درباره هزینه امور مهم (هزینه تحصیل فرزندان، خرید وسایل منزل، هزینه تفریح و پس‌انداز، خرید ماشین، خانه یا اقامت بزرگ دیگر) را اکثر قریب به اتفاق افراد، چه زن‌ها (۸۹ درصدشان) و چه مردها (۸۶ درصدشان) انتظار دارند که به طور مشترک انجام دهند و در عمل هم در اکثر خانواده‌ها به ویژه خانواده‌های زنان پاسخگو (زنان شاغل) مشترکاً صورت می‌گیرد (جدول ۸). در این مورد نیز کماکان نقش کاربسته زنان و نیز مردان نسبت به نقش مورد انتظارشان بیشتر است.

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۴۵

جدول ۸: توزیع نقش مورد انتظار و کار بسته در امور مهم بر حسب جنسیت (درصد)

شکاف	نقش کار بسته					نقش مورد انتظار					جنس
	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	
۱/۸	۲۴۲	۱۰۰	۸	۸۳	۹	۲۴۲	۱۰۰	۶	۸۹	۵	زن
۲/۰	۳۳۱	۱۰۰	۲۰	۷۸	۲	۳۳۴	۱۰۰	۱۳	۸۶	۱	مرد
۱/۷	۵۷۳	۱۰۰	۱۵	۸۰	۵	۵۷۶	۱۰۰	۱۰	۸۷	۳	کل
$\chi^2 = 25/46$ df = ۲ Sig = .۰۰۰						$\chi^2 = 13/06$ df = ۲ Sig = .۰۰۰					

۲- تصمیم‌گیری درباره سایر امور:

تصمیم‌گیری درباره سایر امور خانواده (تزیینات، پوشاک فرزندان، بهداشت، امور پزشکی و درمان، غذا) از همان الگوی فوق برخوردار است؛ تصمیم‌گیری درباره هزینه این امور را اکثر قریب به اتفاق افراد، چه زن‌ها (۸۶ درصدشان) و چه مردها (۹۱ درصدشان) انتظار دارند که به‌طور مشترک انجام دهند و در عمل هم در اکثر خانواده‌ها مشترکاً صورت می‌گیرد (جدول ۹). در این مورد نیز کماکان نقش کار بسته مردان و خاصه نقش کار بسته زنان نسبت به نقش مورد انتظارشان بیشتر است.

جدول ۹: توزیع نقش مورد انتظار و محقق در سایر امور بر حسب جنسیت (درصد)

شکاف	نقش محقق					نقش مورد انتظار					جنس
	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	تعداد	کل	مرد	باهم	زن	
۱/۷	۲۵۲	۱۰۰	۱	۷۷	۲۲	۲۴۹	۱۰۰	۱	۸۶	۱۳	زن
۱/۹	۳۳۴	۱۰۰	۴	۸۳	۱۳	۳۴۰	۱۰۰	۲	۹۱	۷	مرد
۱/۹	۵۸۶	۱۰۰	۳	۸۰	۱۷	۵۸۹	۱۰۰	۲	۸۹	۹	کل
$\chi^2 = 11/45$ df = ۲ Sig = .۰۰۰						$\chi^2 = 7/11$ df = ۲ Sig = .۰۰۳					

نکته جالبی که در این دو جدول به چشم می‌آید، تفاوت میان پاسخ‌های زنان و مردان از نظر تأثیر کاهش همکاری مشترک در دو مقوله زن به تنهایی یا مرد به تنهایی است. در جدول شماره ۸ (امور مهم)، رقم شکاف بین نظر و عمل ۱/۷ و در جدول شماره ۹ (سایر امور) ۱/۹ می‌باشد. مقایسه دو رقم نشان می‌دهد

که اولاً نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های هزینه به طور کلی بیشتر از انتظار است. ثانیاً زنان بیشتر در سایر امور و کمتر در امور مهم تصمیم‌گیری می‌نمایند. از طرف دیگر مقایسه تفاوت میان نقش مورد انتظار و کار بسته زنان و مردان در هر جدول نشان می‌دهد که تفاوت میان نظر و عمل در میان زنان پاسخگو همواره به نفع تصمیم‌گیری بیشتر زنان (در هر دو دسته امور) و در میان مردان پاسخگو در امور مهم به نفع تصمیم‌گیری بیشتر مردان و در مورد سایر امور به نفع تصمیم‌گیری بیشتر زنان بوده است.

ج- امور مربوط به فرزندان:

امور مربوط به فرزندان (امور فرزندان زیر دو سال؛ امور فرزندان دو تا شش سال و امور فرزندان مدرسه‌رو) را اکثریت قریب به اتفاق زنان و مردان انتظار دارند که به طور مشترک انجام دهند و در عمل هم اکثراً به صورت مشترک انجام می‌دهند. در این زمینه تفاوت معناداری هم بین زن‌ها و مردها وجود ندارد. بدین معنی که اکثر زنان و اکثر مردان امور مربوط به فرزندان را پس از همکاری مشترک، وظیفه اختصاصی زن دانسته‌اند و تعداد کسانی که بعضی از این امور را ویژه مردان دانسته‌اند، معدود است. در عمل هم نقش کاربسته زنان در این زمینه‌ها بیشتر از نقش مورد انتظارشان است. در اینجا نقش‌های کاربسته و مورد انتظار زنان و مردان را به تفکیک امور فرزندان زیر دو سال، فرزندان ۲-۶ ساله و فرزندان مدرسه‌رو مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- امور فرزندان زیر دو سال:

شش متغیر که لیست آن در جدول شماره ۱۰ مشخص شده اندازه‌گیری شده است. در اینجا ابتدا نتایج کلی درباره این متغیرها ذکر می‌شود و سپس معنی‌داری شاخص ساخته شده به تفکیک جنس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۴۷

جدول ۱۰: توزیع نقش مورد انتظار و کار بسته در امور فرزندان زیر دو سال (بر حسب درصد)

شکاف	نقش کار بسته					نقش مورد انتظار				
	تعداد	٪	مرد	مستتر	زن	تعداد	٪	مرد	مستتر	زن
حضور فیزیکی در کنار طفل	۱۸	۸۲	۰	۱۰۰	۵۱	۲۶	۷۴	۰	۱۰۰	۱/۴
امور بهداشتی و پزشکی	۱۳	۸۵	۲	۱۰۰	۵۳	۲۳	۷۵	۲	۱۰۰	۱/۸
امور مربوط به نظافت طفل	۴۹	۵۱	۰	۱۰۰	۵۳	۵۸	۴۲	۰	۱۰۰	۱/۲
تغذیه طفل	۴۶	۵۴	۰	۱۰۰	۵۲	۵۷	۴۳	۰	۱۰۰	۱/۲
بردن طفل به مهد یا منزل اقوام	۲۲	۷۸	۰	۱۰۰	۵۴	۳۱	۶۳	۶	۱۰۰	۱/۴
تهیه مایحتاج روزانه طفل	۱۸	۶۷	۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۷	۷۶	۷	۱۰۰	۰/۹

همان‌طور که در جدول شماره ۱۰ مشاهده می‌شود، تقریباً همه کارهای مربوط به فرزند زیر دو سال یا مشترکاً توسط زن و مرد و یا توسط زن به تنهایی انجام می‌شود. تنها در مورد دو متغیر امور بهداشتی و پزشکی و بردن طفل به منزل اقوام است که نقش مرد به تنهایی به صورت بسیار کم‌رنگ جلوه می‌کند. در مقایسه ایفای نقش مشترک و یا توسط زن به تنهایی در موارد مختلف تفاوت وجود دارد. به این ترتیب که دو مورد «امور مربوط به نظافت طفل» و «تغذیه طفل» بیش از موارد دیگر هم در نظر جزو نقش‌های زنانه تلقی شده و هم عملاً توسط زن‌ها به تنهایی صورت می‌گیرد. در این دو مورد هم البته میان نظر و عمل شکاف وجود دارد به این ترتیب که در حالی که ۴۹٪ پاسخگویان معتقدند که امور مربوط به نظافت طفل باید منحصراً توسط زن انجام شود ولی در عمل ۵۸/۲٪ آنها اعلام کرده‌اند که زنان به تنهایی به این امر مبادرت می‌ورزند (شکاف حدود ۱/۳). همین‌طور در حالی که ۴۶٪ معتقدند که تغذیه طفل کاری زنانه است، اما در عمل ۵۷٪ از زنان به تنهایی این کار را انجام می‌دهند (شکاف حدود ۱/۲). در مورد تغذیه طفل اگر توجه داشته باشیم که در این سن اطفال بیشتر از شیر مادر تغذیه می‌شوند علت این تفاوت روشن می‌شود، ولی در مورد استفاده از غذای کمکی موضوع همچنان قابل توجه است.

این نشان می‌دهد که همکاری مشترک مردان در امور اطفال در مورد برخی از کارها بیشتر و در برخی کارها کمتر است. به عنوان مثال در مورد تهیه مایحتاج روزانه طفل، مردان سهم قابل توجهی را به تنهایی دارند و همکاری مشترک بیشتری در این زمینه دارند. اما همکاری مشترک آنها در امور نظافت و تغذیه طفل بسیار کمتر است. به طور کلی می‌توان گفت مسئولیت مراقبت و رسیدگی به امور فرزندان زیر دو سال عمدتاً به عهده زن است و مردان در این زمینه همکاری می‌نمایند. اما به گزارش کلیه پاسخگویان همکاری مردان بسیار کمتر از آن که باید باشد هست و این مسئولیت زنان را بیشتر می‌کند.

ارقام جدول همچنین نشان می‌دهد که کارها به نوعی تقسیم جنسیتی شده است، به طوری که در امور مربوط به داخل منزل طفل، زنان سهم بیشتری را به تنهایی ایفا می‌کنند ولی در مورد کارهای مربوط به خارج از منزل طفل، مردان بیشتر مشارکت دارند و به زنان در این مورد کمک می‌نمایند.

با بررسی تک تک گزینه‌ها و رابطه آنها با جنس پاسخگویان مشخص شد که هم در حوزه نظر و هم در حوزه عمل تفاوت معناداری میان پاسخ‌های زنان و مردان وجود ندارد. در حقیقت می‌توان گفت چندان تفاوتی وجود ندارد که بخواهیم معناداری آن را اندازه‌گیری نماییم. اکثریت زنان و مردان در مورد امور مربوط به فرزندان زیر ۲ سال، اول به همکاری مشترک و در مرحله دوم به نقش زن به تنهایی اشاره کرده‌اند. به همین ترتیب در شاخص تشکیل شده نیز تفاوت‌ها معنی دار نیست.

۲- کارهای مربوط به فرزندان ۶-۲ ساله:

در مورد امور فرزندان ۶-۲ سال پنج متغیر که لیست آنها در جدول شماره ۱۱ مشخص شده اندازه‌گیری شده است. در اینجا ابتدا نتایج کلی درباره این متغیرها ذکر می‌شود و سپس شاخص ساخته شده به تفکیک جنس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همان‌طور که در جدول شماره ۱۱ مشاهده می‌شود، فراوانی پاسخ‌ها در حوزه نظر و عمل در گزینه زن و مرد مشترکاً متراکم شده است. اما شکاف بین نظر و عمل در این گزینه قابل توجه است، به این ترتیب که ۸۵٪ پاسخگویان معتقدند آموزش نظم و مسئولیت‌پذیری وظیفه هر دوی والدین است، اما عملاً تنها ۷۳/۵٪ از خانواده‌های مورد بررسی این کار را مشترکاً انجام می‌دهند. یعنی زنان ۱/۹ برابر مورد انتظار در این زمینه به تنهایی نقش ایفا می‌کنند.

در مورد آموزش اخلاقی نیز شکاف ۴/۴ برابری وجود دارد. در مسئله حل اختلافات فرزند با بچه‌های دیگر شکاف، ۳/۲ برابر و در آموزش بازی با کودکان دیگر ۹/۱ برابر است.

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۴۹

جدول ۱۱: توزیع نقش مورد انتظار و کار بسته در امور فرزندان دو تا شش سال (درصد)

شکاف	نقش کار بسته					نقش مورد انتظار					
	تعداد	٪	ن	میشیرن	٪	تعداد	٪	ن	میشیرن	٪	
۱/۹	۱۵۵	۱۰۰	۱	۷۳	۲۶	۱۴۷	۱۰۰	۱	۸۵	۱۴	آموزش نظم و مسئولیت پذیری
۲/۱	۱۵۳	۱۰۰	۱	۸۲	۱۷	۱۵۰	۱۰۰	۱	۹۱	۸	آموزش اخلاقی
۲/۳	۱۵۲	۱۰۰	۶	۷۱	۲۳	۱۴۷	۱۰۰	۷	۸۳	۱۰	حل اختلاف با بچه های دیگر
۱/۸	۱۵۲	۱۰۰	۱	۵۳	۴۶	۱۴۸	۱۰۰	۱	۷۴	۲۵	آموزش های قبل از دبستان
۱/۹	۱۵۲	۱۰۰	۱	۶۲	۳۷	۱۴۹	۱۰۰	۱	۸۰	۱۹	آموزش بازی با کودکان دیگر

همان طور که مشاهده می‌شود در همه موارد ذکر شده شکاف میان نظر و عمل به نفع کاهش مشارکت مردان در کارهای مربوط به فرزند ۶-۲ سال بوده است به طوری که بیشترین بار این تفاوت میان نظر و عمل بر دوش زنان قرار گرفته است. معنای این آمار این است که پاسخگویان بین ۷۴ تا ۹۱٪ معتقدند که رسیدگی به امور فرزندان ۶-۲ سال باید مشترکاً توسط زن و مرد انجام شود ولی فقط بین ۵۳ تا ۸۲٪ آنها عملاً چنین همکاری را در خانواده خود گزارش کرده‌اند. در عوض در حالی که بین ۷ تا ۲۷ درصد پاسخگویان این وظایف را منحصر به زنان قلمداد کرده‌اند ولی عملاً بین ۱۷ تا ۴۶ درصد زنان به تنهایی به امور فرزندان ۶-۲ ساله خود رسیدگی می‌نمایند.

بیشترین نقشی که مردان در این زمینه نسبت به سایر نقش‌ها ایفا می‌نمایند در مورد متغیر حل اختلاف با بچه‌های دیگر است. به طور کلی ارقام جدول نشان می‌دهد که کارهای فرزندان ۶-۲ ساله در خانواده افراد مورد بررسی یا منحصراً توسط زنان انجام می‌شود و یا مردان نیز در این زمینه به آنها کمک می‌نمایند. اما سهم اختصاصی مردان که به تنهایی به این امور بپردازند بسیار ناچیز است. از تجمیع گویه‌های فوق یک شاخص ساخته شد. آزمون این شاخص‌ها نشان داد که هم در حوزه نظر و هم در حوزه عمل تفاوت معناداری میان پاسخ‌های زنان و مردان وجود ندارد. اکثریت زنان و مردان در مورد امور مربوط به فرزندان ۲ تا ۶ سال اول به همکاری مشترک و در مرحله دوم به نقش زن به تنهایی اشاره کرده‌اند.

۳- کارهای مربوط به فرزندان مدرسه رو:

در مورد امور فرزندان مدرسه رو چهار متغیر مشخص شده است که شامل متغیرهای حل مشکلات درسی و تمرین درس‌ها و پرسش درسی، رابطه با مدرسه و شرکت در جلسات، تربیت اخلاقی و توجه عاطفی به فرزند و تهیه مایحتاج شخصی فرزند مثل لباس، کفش و مانند آن می‌شود.

جدول ۱۲: توزیع نقش مورد انتظار و کار بسته در امور فرزندان مدرسه رو (درصد)

شکاف	نقش کار بسته					نقش مورد انتظار					
	تعداد	ص	ف	ف	ص	تعداد	ص	ف	ف	ص	
۱/۸	۳۵۸	۱۰۰	۵	۶۲	۳۳	۳۴۵	۱۰۰	۳	۷۹	۱۸	حل مشکلات درسی
۲/۰	۳۵۳	۱۰۰	۵	۵۲	۴۳	۳۴۱	۱۰۰	۲	۷۶	۲۲	رابطه با مدرسه و شرکت در جلسات
۲/۱	۳۶۰	۱۰۰	۱	۸۴	۱۵	۳۴۴	۱۰۰	۱	۹۲	۷	تربیت اخلاقی و توجه عاطفی
۲/۶	۳۵۹	۱۰۰	۱۳	۶۹	۱۸	۳۴۵	۱۰۰	۱۱	۸۲	۷	تهیه مایحتاج شخصی فرزند

در این مورد در جدول شماره ۱۲ مشخص شده است که اگر چه باز هم تراکم پاسخها در گزینه زن و مرد وجود دارد اما در همه موارد شکاف بین نظر و عمل وجود دارد یعنی پاسخگویان کمتر از انتظارشان به‌طور مشترک در این زمینه فعالیت دارند. در مورد تأثیر این شکاف میان نظر و عمل در دو گزینه دیگر باید گفت که گزینه زن به تنهایی بیشتر متأثر شده است، بدین ترتیب که زنان بسیار بیش از آنچه از ایشان انتظار می‌رود در این امور فعال هستند (تقریباً دو برابر مورد انتظار در هر مورد). در مورد نقش مرد به تنهایی در این امور باید گفت که فقط در متغیر تهیه مایحتاج شخصی فرزند فعالیت مردان به‌طور نسبی بیشتر نشان داده شده است. البته این نکته نیز قابل تأمل است که پاسخگویان به‌طور کلی از مردان انتظار کمتری برای انجام این امور به تنهایی دارند ولی مردان عملاً بیش از انتظار در این زمینه فعال هستند.

از مجموع گویه‌های فوق یک شاخص کلی‌تر ساخته شده است که با آزمون χ^2 مشخص شد که هم در حوزه نظر و هم در حوزه عمل تفاوت معناداری میان پاسخهای زنان و مردان وجود ندارد. اکثریت زنان و

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۵۱

مردان در مورد امور مربوط به فرزندان مدرسه رو، اول به همکاری مشترک و در مرحله دوم به نقش زن به تنهایی اشاره کرده‌اند.

نتایج بدست آمده از نقش مورد انتظار و محقق زنان در ارتباط با امور فرزندان بیانگر نکته مهمی است. می‌توان گفت معنی دار نبودن رابطه میان جنس و نقش‌های فوق، نشان دهنده این مطلب است که تفاوت مهمی میان نظر و عمل زنان و مردان درباره امور مربوط به فرزندان وجود ندارد. عدم وجود این تفاوت بیانگر دیدگاه یکسان دو جنس درباره نقش مادری زنان است. در مقایسه با نتایج مربوط به نقش‌های خانگی و تصمیم‌گیری در هزینه‌ها، با نتایج مربوط به فرزندان می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که از میان دو نقش اصلی زن در دیدگاه سنتی، یعنی نقش‌های همسری و مادری، اولی بیشتر تحت تأثیر دیدگاه‌های جدید دفاع از حقوق زنان قرار گرفته و حداقل در حوزه نظر، انتظارات دو جنس را از این نقش زنان تغییر داده است. اما نقش مادری همچنان همانند گذشته وظیفه انحصاری، یا حداکثر با حمایت مرد تلقی می‌شود و از این نظر تفاوتی میان انتظارات زنان و مردان مشاهده نمی‌شود.

بحث و تحلیل:

در تحقیق حاضر عامل جنسیت به عنوان عامل مؤثر در انتظارات از نقش‌های خانوادگی زنان و مردان، عملکرد دو جنس در نقش‌های خانوادگی و نیز شکاف میان نظر و عمل در این مسئله مورد آزمون قرار گرفته است. در این رابطه تفاوت میان انتظارات جامعه از زنان و مردان در نقش‌های خانوادگی آنان (حوزه نظر) و همچنین آنچه ایشان عملاً به عنوان نقش‌های خانوادگی خود ایفا می‌نمایند (حوزه عمل) بررسی شده است. هدف از این بررسی کشف این مسئله بوده است که اولاً آیا بین حوزه نظر و عمل در رابطه با نقش‌های خانوادگی زنان و مردان شکافی وجود دارد یا خیر و اگر پاسخ مثبت است این شکاف به چه میزان است. منظور از نقش مورد انتظار همان طور که از عنوان آن روشن است وظایفی است که از فرد انتظار می‌رود در خانواده ایفا کند. اما نقش کار بسته همان وظایفی است که عملاً توسط فرد در خانواده ایفا می‌شود. شکاف میان نظر و عمل زمانی به وجود می‌آید که نقش کار بسته همان نقش مورد انتظار نباشد و همین طور نقش مورد انتظار در حقیقت عملی نگردد.

در این تحقیق از ۲۸۱ زن و ۳۶۹ مرد در دو گروه شغلی کارگر و متخصص پرسش بعمل آمد. نقش‌های خانوادگی به طور کلی به سه دسته «انجام امور منزل»، «تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌ها» و «امور فرزندان»، تقسیم شد و نقش مورد انتظار و کار بسته زن و مرد از زاویه دید پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که در بین کارهای مربوط به امور خانه‌داری، آشپزی و نظافت را عمدتاً زن‌ها انجام می‌دهند، امور مربوط به تأسیسات را عمدتاً مردها انجام می‌دهند و خرید روزمره و تهیه وسایل منزل، به صورت مشترک انجام می‌شود. تصمیم‌گیری درباره هزینه امور زندگی (هزینه تحصیل فرزندان، خرید وسایل منزل، هزینه تفریح و پس‌انداز، خرید ماشین، خانه یا اقلام بزرگ دیگر، تزیینات، پوشاک فرزندان، بهداشت، امور پزشکی و درمان، غذا) عمدتاً به صورت مشترک انجام می‌شود، اگر چه جایی که نقش زن به تنهایی مورد توجه باشد در خانواده پاسخگویان زن نقش زن به تنهایی در امور مهم و نیز در سایر امور در خانواده پاسخگویان مرد، نقش زن به تنهایی فقط در سایر امور بیشتر است.

در مورد امور مربوط به فرزندان انتظار پاسخگویان این است که به صورت مشترک انجام شود و عملاً هم این طور است. اما نسبت انجام عملی امور مربوط به فرزندان به صورت مشترک از همین نسبت در حوزه نظر کمتر است و تفاوت ایجاد شده به نفع مردان است. بدین معنی که پس از همکاری مشترک، نسبت بزرگی از امور مربوط به فرزندان، تقریباً در همه سنین توسط زنان به تنهایی انجام می‌شود. در مجموع مشاهده می‌شود که در مورد کارهای منزل و امور فرزندان، نقش کار بسته زنان نسبت به نقش مورد انتظار آنها بیشتر است. اگر بخواهیم از تحلیل نتایج فوق به نتیجه‌گیری در مورد تأیید یا رد فرضیه مورد نظر بپردازیم، می‌توانیم بگوییم که هر یک از بخش‌های فرضیه به شیوه‌های متفاوتی نتیجه داده‌اند. در مورد رابطه میان جنس و نقش‌های خانوادگی باید گفت فرضیه تأیید می‌شود، چرا که شکاف میان نظر و عمل در زنان پاسخگو از همین شکاف در مردان پاسخگو بیشتر بوده است. در مورد هزینه‌های خانوار نمی‌توان تفاوت بارزی را مشاهده کرد و بنابراین شاید نشود به همان صراحت فرضیه را در این مورد تأیید نمود. در ارتباط با رسیدگی به امور فرزندان هم که فرضیه به کلی رد می‌شود چرا که پاسخگویان صرفنظر از جنس، در این مورد نظرات تقریباً یکسانی دارند و عملکرد آنها نیز شبیه به هم است.

در توضیح نتایج فوق در مورد این سه شاخص چند نکته قابل توجه است:

۱- نقش مردان در مورد کارهای منزل به شیوه‌ای جنسیتی تقسیم شده است. به این ترتیب که بعضی از کارها مثل نگهداری منزل و کارهای تأسیساتی و خرید مایحتاج روزانه توسط مردان و برخی دیگر مثل

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۵۳

آشپزی و شستشو توسط زنان انجام می‌شود. این تقسیم کار چیز جدیدی نیست و در گذشته هم نقش مردان در انجام امور خانگی تقریباً به همین موارد منحصر می‌شده و نقش زنان نیز در امور دیگر کاملاً پذیرفته بود. اما تغییرات رخ داده شده در انتظارات زنان و مردان شاغل در مورد اول (کارهای عرفاً مردانه منزل) چندان چشمگیر نیست، در حالی که در مورد دوم (کارهای عرفاً زنانه منزل) تغییراتی در انتظارات زنان حاصل شده که باعث شده فاصله میان نظر و عمل در این مورد افزایش یابد.

توضیح این که در مورد کارهای مردانه اتفاق نظر بیشتری میان زنان و مردان وجود دارد به طوری که اکثریت زنان و مردان انتظار دارند که این گونه کارها به صورت مشترک و یا توسط مرد به تنهایی انجام شوند. در عمل هم این کارها اکثراً به صورت مشترک یا توسط مرد به تنهایی انجام می‌شود. حتی در مورد نگهداری و تأسیسات منزل نقش مردان به تنهایی چه در نظر و چه در عمل از جانب هر دو جنس بیشتر ذکر شده است. اما نکته جالب‌تر این است که چنین اتفاق نظری در مورد کارهای عرفاً زنانه وجود ندارد. در اینجا شکاف میان نظر و عمل در میان دو جنس به خوبی قابل مشاهده است.

شکاف میان نظر و عمل در انجام کارهای عرفاً زنانه منزل، خود را به این ترتیب نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان انتظار دارند که این کارها مشترکاً توسط زنان و مردان انجام شود، اما در عمل خودشان بار بیشتر این گونه فعالیت‌ها را به دوش می‌کشند. به عبارت دیگر نقشی که زن‌ها در خانواده ایفا می‌کنند (نقش کار بسته آنها) بسیار بیشتر از آن چیزی است که از خودشان انتظار دارند (نقش مورد انتظار).

مردان بر خلاف زنان از خودشان انتظار زیادی در انجام کارهای عرفاً زنانه منزل ندارند. در عین حال از زنان برای انجام این کارها انتظار بیشتری دارند. به همین دلیل هم در عمل حداکثر در این کارها کمک می‌کنند و تقریباً هیچ یک از آنها را به تنهایی انجام نمی‌دهند. همچنین میزان کاری که زنان به تنهایی در منزل انجام می‌دهند از نظر مردان مناسب و مورد انتظار است. بنابراین شکاف میان نظر و عمل در مردان مورد بررسی در حوزه کارهای خانه کمتر از همین شکاف در زنان مورد بررسی است. بنابراین عامل جنس نقش خود را در اینجا به خوبی و روشنی نشان می‌دهد.

همان طور که در انتهای بحث چهارچوب نظری این مقاله تأکید شد این تفاوت میزان شکاف نشان دهنده عدم کفایت نظری فمینیسم لیبرال برای توضیح وضعیت در مورد جامعه ایران است. بر اساس این نظریه انتظار می‌رفت که با افزایش اشتغال زنان و نقش آفرینی آنها در امور اجتماعی، مردان هم به همکاری بیشتر در امور خانگی متمایل شده و بدین ترتیب به توسعه مشارکت اجتماعی زنان کمک نمایند. این در

حالی است که نتایج تحقیق حاضر نشان داد چنین اتفاقی نیفتاده و مردان جامعه آماری کماکان انجام بیشتر کارهای خانه را به زنان محول کرده‌اند، حتی اگر این زنان شاغل باشند.

تنها تفاوت واقعی در حوزه نظر اتفاق افتاده است. بدین ترتیب که در حوزه نظر اکثریت زنان و اکثریت مردان به همکاری مشترک در کارهای خانه معتقد هستند. اما در همین جا هم زنان بیش از مردان به این همکاری مشترک اعتقاد دارند. اما در حوزه عمل این همکاری مشترک کمتر صورت گرفته و زنان به تنهایی بیشتر نقش ایفا می‌کنند. بدین ترتیب است که فاصله میان نظر و عمل در زنان بیش از مردان می‌شود. این تفاوت می‌تواند موجب تنش در خانواده‌های زنان شاغل در رابطه با انجام کارهای خانه شود. چرا که زنان شاغل از همسران خود انتظار دارند که فعالیت اقتصادی اجتماعی ایشان را قدر دانسته و در انجام کارهای خانه همکاری بیشتری داشته باشند. اما همسران زنان شاغل چنین نتیجه‌ای را از اشتغال همسر خود نمی‌گیرند و کماکان انجام کارهای خانه را به وی موکول می‌کنند. این تفاوت انتظارات و عمل می‌تواند محیط خانواده را دچار تنش نماید.

۲- موضوع در مورد تصمیم‌گیری درباره هزینه‌ها متفاوت است. در اینجا اکثریت پاسخگویان صرفنظر از جنس انتظار دارند که تصمیم‌گیری‌ها با مشارکت زن و مرد انجام شود، و با نسبت کمتری هم اکثراً گزارش کرده‌اند که این اتفاق در خانواده‌هایشان می‌افتد. اما تفاوتی که وجود دارد این است که از تراکم پاسخ‌ها در گزینه زن و مرد با هم، در بعضی از متغیرها به نفع گزینه مرد به تنهایی و در بعضی متغیرهای دیگر به نفع گزینه زن به تنهایی کاسته شده است. بدین ترتیب که در تصمیم‌گیری برای امور مهم همچون خرید خانه و ماشین و وسایل زندگی، مردان بیش از انتظار به تنهایی فعال هستند و برعکس در تصمیم‌گیری برای سایر امور مانند غذا و بهداشت فرزندان و خرید لباس، زنان بیش از انتظار به تنهایی فعال هستند.

البته این یافته‌ای است که در گذشته نیز توسط تحقیقات دیگر مذکور در پیشینه تجربی این مقاله بدست آمده است، اما نکته جالب توجه و متفاوت این است که با تفکیک جنس یعنی مقایسه وضعیت در خانواده‌های زنان و مردان شاغل نشان داده شد که در خانواده‌های زنان شاغل نقش کار بسته زنان در تصمیم‌گیری درباره امور مهم و سایر امور افزایش یافته و نسبت به خانواده مردان شاغل بیشتر است. این در حالی است که در خانواده مردان پاسخگو قدرت تصمیم‌گیری زنان فقط در مورد سایر امور افزایش یافته است. این می‌تواند نشان دهنده تأثیر اشتغال زنان در افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنها در امور مهم و سایر امور کاهش فاصله میان نظر و عمل در خانواده‌های زنان شاغل از این بعد باشد.

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۵۵

۳- در رابطه با فرزندان نکته جالب توجه این است که اگر چه در کلیه سنین این مادر است که بیشترین سرویس دهی و خدمات رسانی را برای فرزندان دارد، اما هر چه فرزندان بزرگتر می‌شوند، نقش مردان در رابطه با آنها به‌طور نسبی بیشتر می‌شود. همین‌طور پدران در رسیدگی به امور فرزندان بیشتر نقش تقبل هزینه‌ها و تهیه مایحتاج فرزندان را دارند، در حالی که امور عاطفی و تحصیلی و آموزشی آنان بیشتر توسط زنان انجام می‌شود. در اینجا نیز یک تقسیم جنسیتی کار میان زنان و مردان پاسخگو در رابطه با فرزندان دیده شده است. نکته مهمتر این است که متغیر جنس تقریباً در انتظارات و عملکرد زنان و مردان در رابطه با امور فرزندان بی‌تأثیر است. زنان و مردان هر دو اعتقاد دارند که این امور باید به صورت مشترک انجام شود. در عمل هم، با نسبت کمتر از مورد انتظار این امور به صورت مشترک انجام می‌شود. اما در مرتبه دوم رسیدگی به امور فرزندان وظیفه انحصاری زن تلقی شده و در عمل هم زنان هستند که انجام این امور را به تنهایی بر عهده دارند. در حقیقت انتظارات و عملکرد زنان و مردان در این مورد به همدیگر شبیه است. تفاوت جزئی که وجود دارد این است که زنان بیشتر معتقد به لزوم ایفای نقش فعال خودشان نسبت به مردها در همین زمینه هستند ولی در عین حال نقش عملی مردان را هم از آنچه باید باشد کمتر گزارش کرده‌اند. در مورد مردان این برعکس است و فاصله‌ای میان نقش مورد انتظار و کار بسته زنان نمی‌بینند و وظیفه‌چندانی را نیز برای خودشان در این مورد انتظار ندارند. به همین دلیل هم می‌توان گفت در این مورد هم فاصله میان نظر و عمل در مورد زنان بیشتر از مردان است، اگر چه در مقایسه با کارهای خانه که در بالا توضیح داده شده، این فاصله در کل کمتر است.

نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری مباحث بالا می‌توان گفت، اولاً در کل جامعه مورد مطالعه و بدون در نظر گرفتن جنس پاسخگو، هر جا مسئله تصمیم‌سازی مطرح است، پس از همکاری مشترک، نقش مردان به تنهایی بیشتر می‌شود و هر جا عمل به وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی مطرح است، پس از همکاری مشترک، زنان به تنهایی نقش فعال‌تری دارند. دوم اینکه در مقایسه میان نتایج بدست آمده از پاسخگویان زن و مرد مشخص می‌شود که اگر چه هنوز هم الگوی بالا غلبه دارد، اما تغییراتی در انتظارات و کمتر از آن در عملکرد زنان در خانواده‌های زنان شاغل قابل مشاهده است. تغییراتی که در خانواده‌های مردان پاسخگو کمتر برجسته شده است. به همین دلیل شاید بتوان نتیجه گرفت که تغییراتی که در نقش‌های مورد انتظار زنان و مردان در

خانواده، عملکرد آنها و فاصله میان نظر و عمل در این زمینه رخ داده است، در خانواده‌های زنان پاسخگو بیشتر بوده است. از آنجا که زنان پاسخگو جملگی شاغل بوده‌اند و از این نظر یافته‌های مربوط به آنها با یافته‌های تحقیقات قبلی در مورد زنان خانه دار متفاوت و با یافته‌های مربوط به زنان شاغل شبیه است، می‌توان گفت که علاوه بر جنس، که متغیر مستقل و موضوع اصلی تحقیق حاضر بوده است، عامل اشتغال زنان نیز در بدست آمدن نتایج فوق نقش داشته و باعث شده است که فاصله میان نظر و عمل در زنان بیشتر از مردان باشد. به عبارت دیگر علت تفاوت‌های موجود میان نظر و عمل زنان و مردان که در این تحقیق بدست آمد می‌تواند تا حد زیادی مربوط به شاغل بودن کلیه زنان مورد مطالعه و در نتیجه بالا بودن مشارکت اجتماعی آنها و نیز افزایش آگاهی‌های اجتماعی ایشان به دلیل اشتغال باشد. از آنجا که اکثریت مردان همواره شاغل بوده‌اند و اکثریت زنان همواره خانه‌دار، یافته‌های حاصل از مطالعه تفاوت میان نظر و عمل در مقایسه زنان و مردان شاغل را می‌توان تا حد زیادی با موضوع افزایش اشتغال زنان در طول زمان، که در مقدمه این مقاله بحث شد، تبیین نمود. تفاوت میان نظر و عمل در جوامع و در میان گروه‌های مختلف اجتماعی و افراد همواره وجود داشته است. در حقیقت یکی از مهم‌ترین موتورهای محرکه تغییر، همین تفاوت میان نظر و عمل است. منظور از این عبارت این است که فرد اعمالی را در جامعه انجام می‌دهد ولی تفکر وی چندان با این اعمال مطابقت ندارد. به عبارت دیگر فرد یک جور می‌اندیشد ولی جور دیگری عمل می‌کند. حضور انسان‌ها در یک جامعه و لزوم تن دادن به نظم اجتماعی جهت حفظ و بقا و همچنین تداوم این جامعه اقتضا می‌کند که گاه انسان از ایده‌ها و خواسته‌های خود به نفع ایده‌ها و خواسته‌های جمع چشم‌پوشی نماید. حال اگر این ایده‌ها و خواسته‌ها متعلق به عده کثیری از افراد جامعه شود، کم‌کم تبدیل به خواسته‌های جمعی شده و فشار بیشتری از جانب جامعه در جهت تحقق آنها اعمال خواهد شد. بدین ترتیب حوزه نظر و عمل به یکدیگر پیوند می‌خورند و جامعه دچار تغییر و تحول می‌گردد.

یکی از حوزه‌هایی که این فرآیند به وضوح در آن رخ داد و در جامعه ما قابل تشخیص است، حوزه مسائل زنان است. در هر دوره‌ای جامعه برای حفظ نظم یک سری مکانیزم‌هایی را به کار می‌گیرد تا باورها، ارزش‌ها و باید و نبایدهای مورد قبول را در اعضاء خود درونی ساخته و از این طریق به بازتولید آنها بپردازد. در جامعه سنتی این سنت‌های قوی و روابط نزدیک همسایگی و خویشاوندی است که به تحقق این درونی‌سازی بیشترین کمک را می‌کند. یکی از این مسائل درونی شده در جامعه سنتی چگونگی تقسیم کار خانوادگی

تحلیل جنسیتی نقش‌های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده ۵۷

میان زنان و مردان است. سنت‌ها، روابط بین فردی و خویشاوندی قوی چنان بر این نوع تقسیم کار صحه می‌گذارند که کمتر کسی ممکن است فکر کند طور دیگری هم می‌شود زندگی کرد.

اما در طول زمان و به دلیل حرکت جامعه به سمت نوسازی و توسعه و به تبع آن با بالا رفتن سطح آموزش و آگاهی‌های اجتماعی بخصوص در مورد زنان و ورود ایشان به عرصه‌های اجتماعی شغلی و داوطلبانه، وحدتی که بین نظر و عمل در جامعه سنتی وجود داشت شکسته شده و نظر افراد جامعه بخصوص زنان فعال از نظر اجتماعی در مورد این نحوه تقسیم جنسیتی کار تغییر کرده و بدنبال آن حرکت‌هایی در جهت تغییر عملی وضع موجود صورت می‌گیرد. در اینجا است که بین نظر و عمل شکافی ایجاد می‌شود و در ایجاد این شکاف عوامل چندی می‌توانند دخالت داشته باشند. در مقاله حاضر نقش جنسیت با تأکید بر زنان شاغل، در این مورد بررسی شد.

وجود شکاف نگرشی میان زنان و مردان در مورد نقش‌های خانوادگی نشان دهنده تأثیرپذیری بیشتر زنان از تحولات فرهنگی سال‌های اخیر است که در آن موضوع احقاق حقوق زن و بدست آوردن برابری اجتماعی با مرد اهمیت ویژه دارد. به طور کلی لزوم کار بیشتر بر روی تغییر نگرش مردان در این موضوع حس می‌شود چرا که با توجه به اصل توجه انتخابی، ادراک انتخابی و نگاه داشت انتخابی در علم ارتباطات که می‌گوید انسان به موضوعاتی در محتوای رسانه‌ها و پیام‌ها توجه می‌کند که بدان علاقه داشته باشد و از میان آن قسمت‌هایی را خوب درک می‌کند که درباره آن انگیزه داشته باشد و بالاخره از میان ادراک شده‌ها آنهایی را به خاطر می‌سپارد که برایش اهمیت ویژه داشته باشد، طبیعی است که زنان به موضوعات جدید برابری و احقاق حقوق زن زودتر و بیشتر توجه داشته باشند و اگر فعالیت فرهنگی برای هم‌مطراز نمودن آگاهی زن و مرد در این زمینه صورت نگیرد این جدایی و تفاوت نگرش‌ها می‌تواند موجب ایجاد شکاف فرهنگی و اجتماعی میان زن و مرد در خانواده‌ها شده و تنش‌هایی را به وجود آورد.

بنابراین به نظر می‌رسد نتیجه کاربردی که از این تحقیق می‌توان گرفت لزوم بالا بردن سطح آگاهی‌های مردان جامعه در رابطه با مسائل جدید زنان و بخصوص زنان شاغل است. این مطلبی است که در نوشته‌های قبلی یکی از نگارندگان نیز بدان اشاره شده است: "یکی از تدابیر مؤثر جهت گسترش نقش زنان در توسعه و همچنین به رسمیت شناخته شدن نقشی که از گذشته تا حال در این امر داشته‌اند، در کنار کار فرهنگی بر روی زنان و دادن آگاهی‌های لازم به آنها، کار فرهنگی با هدف تغییر نگرش مردان است" (راو دراد: ۱۳۷۹).

تغییر نگرش در مردان، می‌تواند موجب این شود که آنها بتوانند با همسران خود همراهی و همدلی بیشتری احساس نمایند و در این رابطه زنان هم در نظر و هم در عمل بتوانند از همکاری همسرانشان بهره‌مند گردند. با

این کار از تنش‌های متعددی که نهایتاً در درازمدت می‌تواند باعث از هم پاشیده شدن خانواده و وقوع طلاق‌های عاطفی گردد نیز جلوگیری بعمل می‌آید. منظور از طلاق عاطفی وضعیتی است که در آن اعضاء خانواده بدون احساس همدلی، صرفاً در کنار یکدیگر و در یک مکان زندگی می‌کنند. در واقع هر کس برای خودش برنامه زندگی جداگانه دارد و هیچگونه احساس انس و الفت نیز بخصوص بین زن و شوهر وجود ندارد. آنچه می‌تواند مانع بروز چنین موقعیتی در خانواده‌ها گردد، در کنار سایر عوامل ممکن، همین بالا بردن سطح آگاهی‌های مردان و نزدیک نمودن آن به سطح آگاهی‌های زنان در خصوص نقش و پایگاه زن در خانواده و جامعه است.

منابع

- آبوت، پاملا و کلر، والاس (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان، منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی، مطالعات زنان، سال دوم، شماره ۶، زمستان.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار، کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- جاراللهی، عذرا (۱۳۷۴)، اثر اشتغال زنان کارگر بر میزان مشارکت زوجین در امور خانواده، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷ و ۸، جوادی دوست، رقیه (۱۳۷۹)، بررسی رابطه اشتغال زن با استقلال مالی و تصمیم‌گیری در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- راوودراد، اعظم (۱۳۷۹)، تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵، بهار و تابستان.
- راوودراد، اعظم (۱۳۸۰)، توانایی‌های زنان در رادیو و تلویزیون ایران، پژوهش زنان، شماره ۵.
- سنگلجی، لیلا (۱۳۷۰)، اثرات اشتغال زن در خانواده: تحقیقی در چند واحد کارگری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- شالباف، عذرا (۱۳۸۰)، بررسی تأثیر تحصیلات زن بر توزیع قدرت در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- علافر، صدیقه (۱۳۸۳)، اشتغال زنان و چالش‌های آن، دریافت شده از آدرس اینترنتی زیر:
http://www.shareh.com/new/persian/magazine/payam_z/83/156/12.htm
www.farsnews.ir مورخ ۸۵/۰۴/۳۱ آدرس سایت:

Donovan, T. Josephine (2000), *Feminist Theory, The Intellectual Traditions, Continuum*, New York, London.

Freedman, Jan (2001), *Feminism*, Open University Press, Buckingham, Philadelphia.

Lindsay, L. (1994), *Gender Roles: A Sociological Perspective*, London, Routledge.

Zalewski, Marysia (2000), *Feminism after Postmodernism: Theorising Through Practice*, Routledge, London and New York.